

A Typology of Patience in the Holy Quran: From Passive Forbearance to Intelligent Steadfastness

Reza Ghaseminejad

Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Shahrekord Branch, Islamic Azad University, Shahrekord, Iran.

Article information	ABSTRACT
Article type: Research Paper KEYWORDS: Typology, Patience Quran, forbearance, passive, intelligent steadfastness Received: 2026/05/07 Accepted: 2026/07/18 *Corresponding author: r.ghaseminejad@iau.ac.ir How to cite this paper: Ghaseminejad, R. (2026). A Typology of Patience in the Holy Quran: From Passive Forbearance to Intelligent Steadfastness. Interdisciplinary Studies of the Quran and Theology. 3(2): 133-146.	Within the epistemological framework of the Holy Quran, patience transcends mere individual moral virtue; it serves as a vital strategy for safeguarding human dignity and enhancing resilience in the face of existential challenges. This concept constitutes the core of steadfastness on the path of truth and the management of crises in both personal and social spheres. The central question of this study is: based on what criteria does the Quran categorize patience, and how—through this typology—does it transform the meaning of patience from passive endurance into intelligent steadfastness? Employing a descriptive-analytical method and drawing upon library resources and Quranic teachings, this research explores the subject. The findings reveal that the Quranic typology of patience comprises three key layers, progressing from inner forbearance toward intelligent steadfastness: first, the layer of the context of action (patience in obedience, in refraining from sin, and in the face of calamity); second, the layer of nature and quality (sabr-e jamil [beautiful patience] and istibar [resolute perseverance]); and finally, the layer of purpose and ultimate goal (patience for the sake of God and for salvation). In this model, by linking patience with insight, the patient individual exercises an active form of patience to manage affairs wisely and transform the status quo into a desired state.
DOI: 10.22034/isqt.2026.15022.1030	



گونه‌شناسی صبر در قرآن کریم؛ از بردباری انفعالی تا پایداری هوشمندانه

رضا قاسمی نژاد

استادیار، گروه معارف اسلامی، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران.

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: علمی پژوهشی واژگان کلیدی: گونه‌شناسی، صبر، قرآن، بردباری، انفعالی، پایداری هوشمندانه تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۰۲/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۴/۲۷ * پست الکترونیکی نویسنده مسئول: r.ghaseminejad@iau.ac.ir	صبر در منظومه معرفتی قرآن کریم، فراتر از یک فضیلت اخلاقی فردی، راهبردی مهم و اساسی برای صیانت از کرامت انسانی و ارتقای تاب‌آوری در مواجهه با چالش‌های وجودی است. این مفهوم، هسته مرکزی پایداری در مسیر حق و مدیریت بحران‌های ساحت فردی و اجتماعی محسوب می‌شود. پرسش اصلی پژوهش حاضر این است که قرآن کریم بر اساس چه شاخصه‌هایی به گونه‌شناسی صبر پرداخته و چگونه از رهگذر این تقسیم‌بندی، معنای صبر را از یک «تحمل انفعالی» به «پایداری هوشمندانه» تغییر می‌دهد؟ این تحقیق با روش توصیفی-تحلیلی و با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای و آموزه‌های قرآنی به موضوع می‌پردازد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که گونه‌شناسی صبر در قرآن دارای سه لایه مهم و کلیدی است که از بردباری درونی به سمت پایداری هوشمندانه حرکت می‌کند: نخست؛ لایه «موقعیت عمل» (صبر بر طاعت، معصیت و مصیبت)؛ دوم؛ لایه «ماهیت و کیفیت» (صبر جمیل و اضطبار)؛ و در آخر لایه «هدف و غایت» (صبر برای وجه‌الله و رستگاری). در این الگو، صابر با پیوند میان صبر و بصیرت، صبری فعالانه را برای تدبیر حکیمانه امور و تغییر وضعیت موجود به مطلوب به کار می‌بندد.

۱. مقدمه

صبر در آموزه‌های وحیانی، به جای آنکه پذیرشی منفعلانه از رنج یا سکوتی ناشی از ناتوانی باشد، به عنوان یک «نظام رفتاری پویا» و اراده‌ای هدفمند در مسیر حق تعریف می‌شود. این رویکرد، صبر را از یک واکنش ساده به یک استراتژی عملیاتی تبدیل می‌کند که در لایه‌های مختلف زندگی فردی و اجتماعی انسان تجلی می‌یابد. در واقع، چنین صبوری، تبلور اراده‌ای است که با حکمت پیوند خورده تا در برابر چالش‌ها، نه با انفعال، بلکه با پایداری هوشمندانه گام بردارد. این نظام رفتاری، مسیر تعالی انسان را از پذیرش رنج به سوی دستیابی به حقیقت هموار کرده و او را در مسیر حق ثابت قدم می‌دارد. این پژوهش با هدف گذار از نگاه سنتی به صبر (که عمدتاً آن را نوعی بردباری انفعالی و پذیرش ناگزیر می‌پندارد) به سوی «پایداری هوشمندانه» شکل گرفته است تا این فضیلت را به عنوان یک «فناوری روانی و راهکار عملیاتی» برای مدیریت چالش‌ها تبیین کند. ضرورت این تحقیق از آنجا ناشی می‌شود که در جهان معاصر، انسان با بحران‌های پیچیده زیستی و تنش‌های روانی روبروست و الگوهای صرفاً مادی تاب‌آوری، به دلیل نادیده گرفتن ابعاد وجودی و پیوندهای توحیدی، نمی‌توانند معنای عمیقی برای ایستادگی در برابر ناملایمات ارائه دهند؛ لذا بازخوانی گونه‌های صبر در قرآن برای استخراج مدلی کاربردی که هم‌زمان «آرامش درونی» و «حرکت بیرونی» را تضمین کند، یک ضرورت علمی و تربیتی است. ولی فقدان یک «گونه‌شناسی دقیق و به‌روز» از انواع صبر در مطالعات قرآنی، باعث شده است تا ظرفیت‌های پیش‌برنده و تحول‌آفرین این مفهوم در عرصه‌های مدیریتی و اجتماعی پنهان بماند و الگوی رفتاری انبیاء در تقابل‌های سخت، تنها در لایه‌های اخلاق فردی متوقف شود؛ بر این اساس، مسئله این است که چگونه می‌توان با واکاوی نصوص وحیانی، از برداشت‌های انفعالی عبور کرد و به مدلی از ایستادگی رسید که در آن، عقلانیت و معنویت با هم پیوند می‌خورند؟ گونه‌های مختلف صبر در نظام معنایی قرآن کریم بر اساس چه شاخص‌هایی دسته‌بندی می‌شوند و مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده پایداری هوشمندانه در الگوی قرآنی، چگونه پاسخگوی نیازهای بحران‌زدای انسان معاصر است؟

۲. پیشینه پژوهش

بررسی پیشینه پژوهش مفهوم «صبر» در قرآن کریم نشان می‌دهد که نگاه پژوهشگران به این واژه، به مرور زمان از یک فضیلت صرفاً «اخلاقی و فردی» به سوی یک راهبرد «اجتماعی و هوشمندانه» تغییر مسیر داده است. فیض کاشانی (۱۴۱۷ ق) در کتاب المحجۃ البیضاء با تقسیم‌بندی سه‌گانه، بر جنبه‌های خودسازی و کنترل نفس تمرکز نمود. رهبر شهید (۱۳۹۴) در رویکردی نوین، در کتاب طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن صبر را از تحمل انفعالی به مقاومت فعال بازتعریف کرد و شهید مطهری (۱۳۵۴) نیز بر جنبه ارادی و آگاهانه بودن این رفتار تأکید ورزید. همچنین خسرو باقری (۱۳۸۹) با تحلیل رفتار پیامبران، پیوند صبر قرآنی با تدبیر و برنامه‌ریزی را اثبات نمود. در کنار این موارد، ایزوتسو (۱۳۶۱) در مفاهیم اخلاقی-دینی در قرآن، تحول معنایی صبر از یک

صفت غریزی جاهلی به ارزشی ایمانی را تبیین کرد. همچنین سیاحی (۱۳۹۷) در کتاب صبراز دیدگاه قرآن واحادیث اسلامی با رویکردی تحلیلی و مستند، به مراتب، تاثیر واقسام صبر در قرآن وروایات پرداخته است. با این حال، خلأ تفکیک میان «بردباری فرسایشی» و «پایداری هوشمندانه» همچنان باقی است؛ لذا وجه تمایز پژوهش حاضر در این است که نه تنها به توصیف صبر و تحولات آن بسنده نمی‌کند، بلکه با رویکردی گونه‌شناختی، درصدد است تا مرز میان «بردباری انفعالی» و «پایداری هوشمندانه» را ترسیم نماید. تمایز اصلی این اثر در آن است که صبر را نه یک حالت ایستا، بلکه یک نظام رفتاری پویا می‌بیند که بر اساس «موقعیت عمل، ماهیت وهدف طبقه‌بندی شده و هدف آن، تبدیل صبر از یک واکنش عاطفی به یک استراتژی هوشمندانه برای مواجهه با چالش‌های حیات است.

۳. مفهوم‌شناسی

۱.۳. صبر:

واژه «صبر» در لغت به معنای «خویشتن داری، حبس و در تنگنا و محدودیت قرار دادن» تبیین شده است (زبیدی، ۱۹۹۴: ۷۱/۷؛ راغب اصفهانی، ۱۹۹۲: ۲۷۳؛ ابن منظور، ۱۳۷۴: ۴۳۸/۴). برخی اندیشمندان نیز حقیقت آن را «بازداشتن و حبس نفس از جزع و اظهار بی‌تابی» دانسته‌اند (جوهری، ۱۴۰۴: ۷۶/۲؛ طریحی، ۱۳۷۵: ۱۰۴/۲). راغب در تبیینی کارکردی، صبر را «وادار کردن نفس به انجام مقتضیات عقل و شرع و بازداشتن آن از نواهی» تعریف می‌کند (راغب اصفهانی، ۱۹۹۲: ۴۷۴) و مصطفوی آن را «حفظ نفس از اضطراب، اعتراض و شکایت» قلمداد می‌نماید (مصطفوی، ۱۳۸۵: ۱۸۲/۶). در ساحت علم اخلاق، مرحوم نراقی صبر را «ضد جزع» و به معنای «آرامش نفس در مواجهه با سختی‌ها، مصیبت‌ها و آزمون‌ها» توصیف کرده است؛ به گونه‌ای که فرد از «شادی پیشین» خارج نشده و با جسم و زبان خود رفتاری خلاف طمانینه انجام ندهد (نراقی، ۱۴۲۰: ۳/۲۸۱). فیض کاشانی نیز این فضیلت را «تحمل دشواری در راه حق» دانسته (فیض کاشانی، ۱۴۱۷: ۵۵/۲) و خواجه نصیرالدین طوسی بر این باور است که صبر «حبس نفس از جزع» است که مانع از «اضطراب باطنی، شکایت زبانی و حرکات غیر معمول اعضا» در مواجهه با ناملازمات می‌شود (طوسی، ۱۴۱۳: ۲۰). با تکیه بر آراء مذکور می‌توان صبر را «صفتی نفسانی، بازدارنده و عام» دانست که واجد دو حوزه کلیدی است: نخست آنکه «تمایلات غریزی و نفسانی» را در قلمرو عقل و شرع محدود می‌کند و دوم آنکه نفس را به «مسئولیت‌پذیری در برابر فرامین الهی» واداشته و تحمل دشواری پابندی به تکالیف را بر انسان هموار می‌سازد (پسندیده، ۱۳۸۸: ۱۸۳).

۲.۳. گونه‌شناسی:

گونه‌شناسی در لغت، از ریشه «گونه» به معنای نوع و نموذج است که در سنت لغوی عربی با مفهوم «تقسیم» یا «تصنیف» (به معنای جداسازی اجزاء بر اساس ویژگی‌های مشترک) هم‌معنی است (راغب اصفهانی، ۱۹۹۲: ۱۱۲). در معنای اصطلاحی و با نگاهی به آموزه‌های وحیانی، گونه‌شناسی به رویکردی اطلاق می‌شود که در

آن، یک پدیده (مانند پایداری یا ایمان) نه به صورت یکپارچه، بلکه بر اساس «مراتب وجودی» و «تفاوت‌های ماهوی» به دسته‌های متمایز تقسیم می‌شود. این رویکرد در قرآن کریم نیز جاری است؛ چرا که خداوند در طبقه‌بندی انسان‌ها (مانند مؤمنان، منافقان و کافران)، در واقع نوعی گونه‌شناسی بر اساس «ویژگی‌های کیفی و رفتاری» را ارائه داده است تا هر گروه را متناسب با جایگاهش تحلیل نماید (طباطبایی، ۱۳۶۳: ۱/ ۲۴۰).

۴. تحلیل ساختاری و گونه‌شناسی آیات صبر در قرآن

بر اساس تحلیل ساختاری و معنایی آیات، می‌توان صبر را در چهار لایه یا گونه اصلی طبقه‌بندی کرد:

۱،۴. گونه‌شناسی بر اساس موقعیت عمل:

گونه‌شناسی بر اساس موقعیت عمل، یعنی دسته‌بندی انواع پایداری بر مبنای شرایط و بستری که کنش در آن رخ می‌دهد؛ به گونه‌ای که ماهیت و کارکرد صبر، بسته به موقعیت (مانند مواجهه با رنج، بازداري از گناه یا استقامت در هدف) تغییر یابد. در بخش گونه‌شناسی مقوم «صبر» بر اساس موقعیت‌های عینی عمل و بر پایه خوانشی تحلیلی از آیات قرآن کریم تدوین و استخراج شده است. این دسته‌بندی با هدف تبیین دقیق جایگاه پایداری در ساحت‌های گوناگون زیست مؤمنانه و استخراج الگوهای رفتاری از متن وحی صورت می‌گیرد. بر این اساس، تلاش می‌شود تا با رویکردی ساختاریافته، تنوع معنایی و کارکردی صبر در مواجهه با چالش‌های وجودی و اجتماعی مورد واکاوی قرار گیرد.

۱،۴.۱ صبر در مقام طاعت و بندگی:

نخستین مرتبه، صبر در مقام «طاعت و بندگی» است؛ یعنی پایداری در مسیر حق، آن‌گاه که انجام وظایف و تکالیف الهی دشوار و طاقت‌فرسا می‌نماید. خداوند متعال در قرآن کریم بر این ضرورت تأکید ورزیده و می‌فرماید: «رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا فَاعْبُدْهُ وَاصْطَبِرْ لِعِبَادَتِهِ...» (مریم / ۶۵)؛ او پروردگار آسمان‌ها و زمین و مابین آن‌هاست، پس او را بپرست و در مسیر بندگی‌اش شکیبا باش. فرمان «وَاصْطَبِرْ» در این آیه، به معنای ثبات‌قدم در عبادت است؛ به این معنا که بنده با اطمینان از اینکه پروردگار هرگز او و اعمالش را فراموش نمی‌کند، باید در برابر سختی‌های طاعت و ناملایمات منکران پایداری ورزد و در این راه هرگز اندوه و تنگی به دل راه ندهد (حسینی شاه‌عبدالعظیمی، ۱۳۶۳: ۱۵۴/۹). از آنجا که جوهره عبادت همواره با زحمت و مخالفت با تمایلات نفسانی گره خورده است، انسان باید با تلاشی مضاعف، موانعی چون دلبستگی‌های دنیوی، هوای نفس و شیطان را از میان بردارد تا جان‌ش برای بندگی خالصانه و فرمان‌برداری از پروردگار مهیا گردد (طیب، ۱۳۷۸: ۴۶۵/۸). این نوع صبر، در حقیقت تلاشی آگاهانه برای حفظ پیوند میان بنده و معبود در تلاطم سختی‌هاست.

۱،۴.۲ صبر در مقام خویشتنداری از گناه:

قسم دیگر، صبر در مقام مواجهه با وسوسه‌ها و تمایلات نفسانی است که به معنای ایستادگی و خویشتنداری در برابر کشش‌های فریبنده و خواهش‌های سرکش دل است. خداوند متعال در این باره می‌فرماید: «...إِنَّهُ مَنْ يَتَّقِ

وَيَصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ» (یوسف، ۹۰)؛ ...بی‌گمان هر کس تقوا و صبر پیشه کند، خدا پاداش نیکوکاران را تباه نمی‌کند. این آیه در سیاق داستان شکوهمند حضرت یوسف (ع) و مقاومت استوار ایشان در برابر وسوسه‌ی زلیخا بیان شده است. در این جایگاه، صبر با تقوا پیوندی ناگسستنی می‌یابد و معنای آن، ایستادگی در برابر لذت‌های حرام و قدرت نه گفتن به تمایلاتی است که انسان را به سوی نافرمانی فرا می‌خوانند. در واقع، این نوع شکیبایی به معنای مهار زدن بر خواهش‌های نفسانی و حفظ طهارت روح در تلاطم وسوسه‌هاست که موجب می‌شود انسان در زمره نیکوکاران حقیقی قرار گیرد (حقی، ۱۴۰۵، ۴: ۳۱۳).

۱.۴.۳. صبر در مقام مواجهه با ناملازمات و مصائب

صبر در برابر «بلاها و مصیبت‌ها» به معنای حفظ آرامش روانی و ایستادگی در برابر طوفان حوادث ناگوار، از دست دادن عزیزان و فشارهای خردکننده زندگی است. خداوند متعال در این باره می‌فرماید: «وَلَبَلُّوْكُمْ بَشِيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاغِبُونَ» (بقره/ ۱۵۵-۱۵۶)؛ و قطعاً شما را به چیزی از قبیل ترس و گرسنگی، و کاهشی در اموال و جان‌ها و محصولات می‌آزماییم؛ و مژده ده شکیبایان را؛ همان کسانی که چون مصیبتی به آنان برسد، می‌گویند: «ما از آن خدا هستیم، و به سوی او باز می‌گردیم».

در این آیات، پروردگار به عموم شدایدی که ممکن است مؤمنان در مسیر مبارزه با باطل به آن گرفتار شوند اشاره کرده است؛ سختی‌هایی چون هراس، تنگدستی و فقدان جان‌ها و «ثمرات» که به تعبیری مراد از آن، از دست رفتن فرزندان و جوانان در کشاکش ابتلائات است (طباطبایی، ۱۳۶۳: ۱/ ۵۳۰). خداوند با ستایش دوباره صابران، نه تنها آنان را بشارت می‌دهد، بلکه راه دستیابی به «صبر جمیل» را نیز می‌آموزد. ریشه این پایداری، درک عمیق این حقیقت است که ما ملکِ خداییم و مالکِ حقیقی حق دارد در ملک خود تصرف کند. حقیقت «استرجاع» یا همان گفتن «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاغِبُونَ»، تنها یک ذکر زبانی نیست، بلکه ایمانی قلبی به مبدأ و معاد است که ریشه‌ی هرگونه بی‌تابی و افسوس را در دل می‌سوزاند و چرک غفلت را از صفحه جان می‌شوید (طباطبایی، ۱۳۶۳: ۱/ ۵۳۱). این جمله، عصاره عالی‌ترین درس‌های توحید و تکیه بر ذات پاک الهی در هر زمان و هر حادثه است. در واقع، این نوع صبر به معنای عدم فروپاشی در بحران‌هاست و به همین سبب بزرگان دین در سخت‌ترین مصایب، با توجه به روح این کلام و حقیقت بازگشت به سوی او، آرامش و طمأنینه خود را حفظ می‌کردند (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷: ۲/ ۵۳).

۱.۴.۴. صبر در مقام روابط اجتماعی و آزار کلامی

صبر در برابر «بدزبانی و ملامت» دیگران یعنی پایداری و خویشتن‌داری زمانی که انسان با ناملازمات کلامی، تهمت‌ها و آزارهای زبانی روبرو می‌شود. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «وَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَاهْجُرْهُمْ هَجْرًا جَمِيلًا» (مزل/ ۱۰)؛ و بر آنچه می‌گویند شکیا باش و از آنان با دوری گزیدنی خوش فاصله بگیر. این آیه، پیامبر اکرم (ص) را در برابر سخنان ناروا و تهمت‌های دشمنان - که گاه ایشان را به جنون و شاعری متهم می‌کردند - به بردباری فرا می‌خواند. خداوند در این مقام به پیامبر دستور می‌دهد که از بدخواهان

فاصله بگیرد، اما این دوری‌گزینی باید به گونه‌ای شایسته و بدون کینه‌توزی (هجر جمیل) باشد تا سلامت روح و تانت کلامی او حفظ گردد (مغنیه، ۱۴۲۱: ۷/ ۴۴۹). این راهبرد، در حقیقت نسخه‌ای جامع و کامل برای پیامبر و تمامی رهروان مسیر حق است تا با مدد گرفتن از نیایش‌های شبانه، جان خود را با اخلاص و توکل صیقل دهند و نهال ایمان را با باران صبر و دوری آگاهانه از ملامتگران، از گزند آسیب‌ها مصون بدارند (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲۵/۲۶). این نوع صبر، نشان‌دهنده ابهت و استواری فرد در برابر نقض امنیت کلامی و روانی اوست.

۱.۴.۵. صبر در مقام «پیکار و جهاد»

صبر در میدان نبرد و تقابل با دشمن یعنی پایداری در برابر فشار نیروهای بیرونی و حفظ استواری در جبهه حق است. خداوند متعال در این باره می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا...» (آل عمران / ۲۰۰)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، صبر کنید و ایستادگی ورزید و مرزها را نگهدارنی کنید و از خدا پروا نمایید، امید است که رستگار شوید. این آیه که در پایان سوره آل عمران قرار گرفته، برنامه‌ای جامع برای پیروزی و سربلندی مسلمانان ارائه می‌دهد. نخستین گام، همان «اصبروا» یا استقامت فردی در برابر حوادث است که ریشه اصلی هر موفقیت مادی و معنوی به شمار می‌رود. اما مرحله فراتر، «صابروا» است که به معنای پایداری در برابر صبر و استقامت دشمن است. این دستور نشان می‌دهد که پیروزی در میدان نبرد، رابطه‌ای مستقیم با پیروزی در جهاد با نفس دارد؛ چرا که تا ملتی بر نقاط ضعف درونی خود غلبه نکند، نمی‌تواند در برابر دشمن خارجی قد علم کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۳/ ۲۳۳). در واقع، «صابروا» نوعی مسابقه در پایداری جمعی است و به مؤمنان می‌آموزد که هر اندازه دشمن بر توان و استقامت خود بیفزاید، آنان باید با صبری فزون‌تر و تشکیلاتی‌تر، صفوف خود را مستحکم کنند تا طعم شیرین رستگاری را بچشند.

۲.۴. گونه‌شناسی بر اساس ماهیت و کیفیت:

در این بخش، پایداری از منظر اصالت ماهوی و ویژگی‌های کیفی‌اش در بستر آموزه‌های وحیانی بررسی و به صورت مفهومی طبقه‌بندی شده است. هدف از این سنخ‌شناسی، تبیین دقیق مراتب وجودی و تحلیل ساختاری پدیده صبر است تا تمایزات درونی آن در تقابل میان رنج و معنا به شیوه‌ای روشمند و منسجم واکاوی گردد. بر این اساس، با عبور از تعاریف عام، به بازنمایی الگوهای رفتاری بر مبنای تعالی کیفی پرداخته می‌شود تا نقش کلیدی این فضیلت در ارتقای ساحت‌های وجودی انسان در تراز پژوهشی تبیین شود.

۲.۴.۱. صبر جمیل (صبر زیبا و متعالی)

صبر جمیل یا شکیبایی از نظر کیفیت، برترین گونه‌ی صبر به شمار می‌رود. ماهیت این صبر در آن است که با وجود تحمل سختی، هیچ‌گونه گلایه به خلق، بی‌تابی و روی‌تُرش‌کردنی در آن راه ندارد. خداوند متعال خطاب به پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «فَاصْبِرْ صَبْرًا جَمِيلًا» (معارف / ۵)؛ پس صبر کن، صبری نیکو. از آنجا که درخواست عذاب از سوی مخالفان از روی استکبار و برای زورآزمایی بود و شنیدن این سخنان بر پیامبر (ص) گران می‌آمد، پروردگار ایشان را به صبری خالص فرمان داد؛ صبری که هیچ شائبه‌ای از بی‌قراری و شکایت در

آن نباشد (طباطبایی، ۱۳۶۳: ۹/۲۰). همچنین در ماجرای جانکاه حضرت یعقوب (ع) می‌خوانیم: «فَصَبْرٌ جَمِيلٌ وَاللَّهُ الْمُسْتَعَانُ عَلَى مَا تَصِفُونَ» (یوسف / ۱۸)؛ اینک صبری نیکو برای من بهتر است و بر آنچه توصیف می‌کنید، خدا یاری‌ده است. در این مقام، وقتی برادران یوسف پیراهن آغشته به خونِ دروغین را آوردند، یعقوب (ع) با دیدن پیراهنِ سالم دریافت که ادعای آنان فریبکارانه است. او در آن لحظه‌ی سخت، صبری را برگزید که بر پایه‌ی دعوت عقل استوار است و در آن هیچ شکایتی نزد خلق برده نمی‌شود (طوسی، ۱۴۰۹: ۱۱۱/۶). در واقع، صبر جمیل به معنای حفظ وقار و کرامت انسانی در برابر ملامت‌ها و بحران‌هاست، بدون آنکه فرد به مقابله‌به‌مثل کلامی آلوده شود. این ساحت از صبر، نشان‌دهنده اوج ایمان و استواری جان در برابر تلاطم‌های بزرگ زندگی است که انسان را از سقوط در دام جزع و فزع باز می‌دارد.

۲.۴.۲. صبر صامد و پایدار (اصطبار)

این مرتبه از نظر کیفیت فراتر از یک تحمل ساده بوده و به معنای پذیرش آگاهانه و تداوم بخشیدن به مسیر بندگی در درازمدت است. خداوند متعال می‌فرماید: «...وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا...» (طه / ۱۳۲)؛ و کسان خود را به نماز فرمان ده و خود بر آن شکیبا باش. استفاده از واژه‌ی «واصطبر» نشان‌دهنده کیفیتی از صبر است که با سختی همراه با مداومت و ثبات قدم گره خورده است. در واقع، این دستور به معنای آن است که انسان باید در ادای تکالیف الهی و دعوت دیگران به سوی خیر، خستگی‌ناپذیر باشد و بر این مسیر مداومت ورزد (کاشانی، ۱۳۳۶: ۳۹). این ساحت از صبر، بر اهمیت «تداوم و عمق» در رفتارهای عبادی و اخلاقی تأکید دارد و نشان می‌دهد که برای شکوفایی نهال ایمان، تنها صبر لحظه‌ای کافی نیست، بلکه پافشاری و استقامتی ریشه‌دار لازم است تا انسان در فراز و نشیب زمانه، از مسیر حق منحرف نشود.

۲.۴.۳. صبر موقنانه (صبر بر خاسته از یقین)

این مرتبه از صبر، ماهیتی معرفتی دارد و از پیوند عمیق میان «پایداری» و «باور قلبی» سرچشمه می‌گیرد. خداوند متعال در این باره می‌فرماید: «وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَمًا يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يُوقِنُونَ» (سجده / ۲۴)؛ و چون شکیبایی کردند و به آیات ما یقین داشتند، برخی از آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما [مردم را] هدایت می‌کردند.

در این کلام الهی، رمز پیروزی و شرط دستیابی به مقام والای پیشوایی و امامت، در دو گوهر گران‌بها نهفته است: نخست، ایمان و یقین استوار به آیات حق، و دوم، استقامت و شکیبایی در مسیر. این آموزه، درسی جاودان برای تمامی امت‌ها و مسلمانان در هر عصر و نسیمی است تا پایه‌های یقین خود را مستحکم کنند و از دشواری‌هایی که در راه به ثمر نشستنِ خط توحید وجود دارد، نهراسند؛ چرا که با پیشه کردنِ صبر و مقاومت است که می‌توان به جایگاه رهبری خلق و هدایت ملت‌ها در تاریخ دست یافت.

بهره‌گیری از افعال مضارع «یهدون» (هدایت می‌کنند) و «یوقنون» (یقین دارند) نشان‌دهنده آن است که این دو ویژگی باید در تمام طول زندگی استمرار داشته باشند. از آنجا که مسیر کمال و راهبری مردم، لحظه‌ای از دشواری و چالش تهی نیست، پیشوای جامعه در هر گام با مانعی جدید روبرو می‌شود که عبور از آن، تنها با

نیروی یقین و استقامت مداوم ممکن است تا بدین وسیله، جریان هدایت الهی تداوم یابد (زمخشری، ۱۴۰۷: ۵۱۶/۳). این آیه به روشنی بازگو می‌کند که صبری به شکوفایی و کمال می‌انجامد که تکیه‌گاه و ریشه‌ی آن، یقین خدشه‌ناپذیر به وعده‌های تخلف‌ناپذیر پروردگار باشد.

۴،۲،۴. صبر مصابره (صبر تعاملی و متقابل)

ماهیت این مرتبه از صبر، «جمعی و اجتماعی» است؛ یعنی فضایی که در آن افراد نه تنها خود استوار می‌مانند، بلکه یکدیگر را نیز به پایداری و ایستادگی تشویق می‌کنند. پروردگاری فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا...» (آل عمران / ۲۰۰)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، صبر کنید و ایستادگی ورزید.

فرمان «صابروا» لایه‌ای عمیق‌تر از شکیبایی فردی را هدف قرار داده است. این واژه به معنای تلاش برای چیره شدن بر دشمنان در میدان‌های سخت نبرد و همچنین غلبه بر سرسخت‌ترین دشمن انسان، یعنی هوای نفس، در مسیر مخالفت با تمایلات است. (فیض کاشانی، ۱۳۳۶: ۲/ ۴۱۳) در حقیقت، «مصابره» گونه‌ای خاص از ایستادگی است که به دلیل دشواری افزون و کمال والاتری که دارد، پس از دستور به صبر عمومی ذکر شده است. گویی در این مرتبه، مؤمنان در یک مسابقه‌ی خیرخواهانه، برای حفظ ثبات قدم در کنار یکدیگر تلاش می‌کنند. حقیقت این مسیر، بازداشتن نفس از اموری است که خشنودی الهی در آن‌ها نیست. این سفر معنوی از مرحله‌ی «تصبر» (تلاش ارادی و با زحمت برای شکیبایی) آغاز می‌شود، سپس به مرحله‌ی «مصابره» (ایستادگی در برابر عوامل بازدارنده و تعامل با دیگران برای پایداری) می‌رسد. با گذر از «اصطبار» که همان پذیرش عمیق و التزام قلبی است، انسان در نهایت به مقام والای «صبر» دست می‌یابد؛ مرتبه‌ای که در آن این فضیلت چنان در جان ریشه می‌دواند که بدون هیچ رنج و تکلفی در رفتار انسان متجلی می‌شود (حقی، ۱۴۰۵: ۲/ ۱۵۷). «صابروا» نشان‌دهنده کیفیتی از صبر است که در پیوند با دیگران شکوفا می‌شود؛ جایی که تحمل سختی‌ها به یک حماسه‌ی مشترک بدل می‌گردد و بار سنگین ابتلائات با همدلی و تشویق متقابل، سبک می‌شود. این دقیقاً همان جایی است که پایداری فردی به یک جبهه‌ی استوار اجتماعی تبدیل می‌گردد.

۲،۴،۵. صبر توفیقی (صبر با استعانت الهی)

درونمایه این گونه از صبر، پیوندی ناگسستنی با پروردگار دارد؛ به این معنا که فرد به روشنی می‌داند توان پایداری و کیفیت ایستادگی او، تنها به اراده و یاری خاص خداوند بستگی دارد. خداوند در این باره خطاب به پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «وَاصْبِرْ وَمَا صَبْرُكَ إِلَّا بِاللَّهِ...» (نحل / ۱۲۷)؛ و صبر کن و صبر تو جز به [توفیق] خدا نیست. اختصاص این فرمان ویژه به پیامبر (ص) گویای جایگاه رفیع و بی‌مانند ایشان است. در حالی که به عموم مؤمنان اجازه مقابله به مثل و مجازات عادلانه داده شده، پیامبر سزاوارترین فرد برای پیمودن دشوارترین مسیر استواری است. تعبیر «و صبر تو جز به یاری خدا نیست» در واقع بر این حقیقت تأکید می‌کند که شکیبایی ایشان، تنها در سایه توفیق و عنایت ویژه الهی ممکن شده است. این کیفیت از صبر، به عظمتی فراتر از توان عادی بشر اشاره دارد؛ چرا که پیامبر (ص) در برابر زخم‌زبان‌ها و آزارهای مشرکان، رنج‌هایی را تاب آوردند که بسیار سنگین‌تر از تجربه‌های عموم مسلمانان بود. در واقع، این صبوری رفتاری فراتر از ظرفیت‌های معمول

انسانی است که از منبع بی‌پایان قدرت الهی سرچشمه می‌گیرد. همین اتصال به منبع قدرت است که باعث می‌شود جان انسان حتی در برابر تندترین طوفان‌های کلامی و رفتاری، دچار فروپاشی نشود و وقار خود را از دست ندهد (ابن عاشور، ۱۹۸۴: ۳/ ۲۷۰). این افق از صبر به ما می‌آموزد که برای پایداری در مسیرهای سخت، باید از پوسته‌ی توانایی‌های محدود خود فراتر رفته و به قدرتی تکیه کنیم که بر هر چیزی چیره است.

۳،۴. گونه‌شناسی بر اساس غایت و هدف

در این بخش، گونه‌شناسی پایداری با رویکردی غایت‌شناختی مورد بررسی قرار می‌گیرد تا اهداف نهایی این کنش ارادی در نظام رفتاری و لایه‌های کمالی انسان واکاوی شود. هدف این تحلیل، تبیین روشمند و منسجم پیوند میان شکیبایی هدفمند و نتایج غایی آن، اعم از رستگاری اخروی و تعالی وجودی است.

۱،۳،۴. صبر با غایت «وجه الله» (صبر برای خدا)

این مرتبه، ناب‌ترین جلوه‌ی شکیبایی است که در آن، نگاه بنده از اسباب و ابزار فراتر رفته و تنها بر جمال پروردگار متمرکز می‌شود. در این پهنه، هدف نه جلب ستایش خلق است و نه گریز از سرزنش مدعیان؛ بلکه غایت اصلی، پیوندی قدسی با منبع اصیل قدرت و جلب رضایت اوست. قرآن کریم با خطاب «وَلِرَبِّكَ فَاصْبِرْ» (مدثر/ ۷)، شکیبایی را به مدار ربوبیت گره می‌زند. این فرمان کوتاه، گستره‌ای بی‌کران از ایستادگی را در بر می‌گیرد؛ از پایداری در مسیر ادای تکلیف و تحمل تندی‌های جاهلان تا استقامت در بندگی و نبرد با تمایلات سرکش نفسانی. در حقیقت، هر رنجی که در مسیر فرمان او و برای او باشد، به شکوفایی جان می‌انجامد (مکارم شیرازی، ۲۵/ ۲۱۶). در مرتبه‌ای دیگر، کلام وحی با تعبیر «وَالَّذِينَ صَبَرُوا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ...» (رعد/ ۲۲)، پرده از شکوهی دیگر برمی‌دارد. این صبر، چتری است که بر تمامی ابعاد زندگی سایه می‌افکند؛ از تحمل جراحت بیماری و تلخی اندوه‌های جانکاه گرفته تا پایداری بر ترک گناه و مداومت بر طاعات (ثعلبی، ۵/ ۲۸۵). نکته‌ی مهم اینجاست که «انگیزه»، عیار واقعی شکیبایی را تعیین می‌کند. گاهی فرد از بیم ملامت یا برای آنکه او را بردبار بخوانند، دم فرومی‌بندد؛ یا چون می‌داند بی‌تابی گرهی نمی‌گشاید، به ناچار سکوت پیشه می‌کند. چنین صبری اگرچه رفتاری اخلاقی است، اما به سرمنزل مقصود و کمال جان نمی‌رسد. اما آن‌گاه که آدمی بداند هر سختی، تقدیر حکیمانه‌ی پروردگاری است که از هر خطایی پاک و از هر بیهودگی‌ای منزّه است، به آرامشی عمیق دست می‌یابد. او ابتلائات را تصرف مالک حقیقی در ملک خویش می‌بیند و با اطمینان به مصلحتی که در نهان حوادث نهفته است، نه تنها اعتراض نمی‌کند، بلکه به آن راضی می‌شود. در اوج این مسیر که مقام ویژه‌ی «صدیقین» است، لطافتی شگرف تجلی می‌یابد. آنان چنان غرق در مشاهده‌ی جمال پروردگار و تجلی نور حق هستند که استغراق در تماشای «بلاء‌دهنده»، ایشان را از احساس درد بلا غافل می‌سازد. همان‌گونه که عاشق در تماشای رُخ معشوق، زخم رسیده از سوی او را به جان می‌خرد و از آن لذت می‌برد، بنده‌ی وارسته نیز در اثر معرفت به نور حق، بر محنت‌ها شکیبایی کرده و به هر چه از سوی دوست برسد، خشنود است. این همان سیر نهفته در تعبیر «ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ» است که پایداری را از سطح یک وظیفه، به مرتبه‌ی شهود و لذت معنوی

می‌رساند (فخر رازی، ۳۴/۱۹).

۲،۳،۴. صبر با غایت «رشد و رسیدن به مقام امامت و هدایت

این گونه از صبر، در واقع جریانی است که جان انسان را صیقل می‌دهد تا او را برای دستیابی به کمالات والای روحی و شایستگی سرپرستی دیگران آماده سازد. در این مرحله، شکیبایی نه یک انتخاب، بلکه شرط بنیادین برگزیدگی است. خداوند متعال در آیه‌ی وحی بر این حقیقت تأکید می‌فرماید: «وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أَئِمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا...» (سجده/ ۲۴)؛ یعنی آن‌گاه که آنان شکیبایی کردند و به آیات ما یقین داشتند، برخی از آنان را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما مردم را هدایت می‌کردند. این آیه، پرده از یک سنت الهی برمی‌دارد: امامت و پیشوایی، ثمره‌ی درختی است که ریشه‌هایش در خاک صبر و یقین استوار شده است. در اینجا، هدایتگری تنها یک عنوان اعتباری نیست، بلکه فراخوانی مردم به سوی حکمت‌ها و احکام اصیلی است که در جان پیشوا نهادینه شده است. تعبیر دقیق «بِأَمْرِنَا» (به فرمان ما) نشان می‌دهد که این رهبری، یک حرکت خودسرانه نیست؛ بلکه پیشوایان به پشتوانه‌ی دستور الهی و با تکیه بر توفیق و هدایتی که از منبع قدرت دریافت کرده‌اند، در این مسیر گام می‌نهند. اما چه صبری انسان را به این مسند رفیع می‌رساند؟ تعبیر «لَمَّا صَبَرُوا» (چون صبر پیشه کردند) به ما می‌آموزد که این جایگاه والا، پاداش پایداری مستمر در دو جبهه است: نخست، استقامت در مسیر دشوار طاعت و بندگی، و دوم، شکیبایی قهرمانانه در «دل بردن از تعلقات دنیا». در واقع، تنها کسی می‌تواند زمام هدایت دیگران را به دست بگیرد که پیش‌تر، زمام نفس خویش را با قدرت صبر در اختیار گرفته باشد (قمی مشهدی، ۱۴۰۷: ۳۰۴/۱۰). در این گونه از شکیبایی، رسیدن به آن مرتبه از پختگی و مدیریت حکیمانه است که فرد را به تکیه‌گاهی استوار برای جامعه بدل می‌کند. اینجا صبر، ابزاری است برای عبور از خامی و رسیدن به کمالی که در آن، انسان نه تنها خود از طوفان‌ها می‌گذرد، بلکه به ناخدایی مبدل می‌شود که کشتی سرگردان بشریت را به ساحل هدایت و رستگاری می‌رساند. این همان پیوند مبارک میان رنج پایداری و شکوه راهبری است.

۳،۳،۴. صبر با غایت «پیروزی و غلبه بر مشکلات

در این لایه از گونه‌شناسی، پایداری نه تنها یک فضیلت اخلاقی یا مایه کمال روحی، بلکه کلیدی برای تغییر معادلات بیرونی و عبور از تنگناهای سخت است. در اینجا هدف صابر، گذشتن از گردنه‌های دشوار برای چشیدن طعم پیروزی و رسیدن به نصرت الهی است. خداوند متعال در سوره اعراف می‌فرماید: «...وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ الْحُسْنَىٰ عَلَىٰ بَنِي إِسْرَٰئِيلَ بِمَا صَبَرُوا...»؛ (اعراف/ ۱۳۷) و آن سخن و وعده‌ی نیکوی پروردگار تو بر بنی اسرائیل تحقق یافت، به پاداش صبری که در برابر مصائب کردند. اگرچه این آیه به یک مقطع تاریخی خاص اشاره دارد، اما در بطن خود یک «قانون کلی» را نهفته است. تحقق وعده‌ی پیروزی برای مستضعفان، پاداش حتمی پایداری است. این سنت الهی مختص به یک گروه یا زمان خاص نیست؛ بلکه هر ملت و هر مجموعه‌ی باایمانی که در برابر ناملایمات استقامت ورزد و طبق برنامه‌های الهی عمل کند، طبق این قانون، پیروز

نهایی خواهد بود (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷: ۷/ ۲۲۱). در واقع، انسان یا جامعه با ابزار صبر، از فرسودگی در برابر سختی‌ها جلوگیری کرده و نیروی خود را برای رسیدن به نصرت ذخیره می‌کند. این صبر، یک ایستایی منفعلانه نیست، بلکه حرکتی است مدبرانه برای درهم شکستن بن‌بست‌ها.

۴.۴.۳. صبر با غایت «فلاح و رستگاری ابدی»

در نهایت به مرتبه‌ای از پایداری می‌رسیم که نگاهی ژرف به فرجام هستی دارد؛ صبری که با چشم‌انداز آینده‌ای دورتر یعنی بهشت و پاداش‌های اخروی انجام می‌شود و غایت آن نجات از خسران است. قرآن کریم در آیه سوره مؤمنون به زیبایی این حقیقت را بیان می‌فرماید: «إِنِّي جَزَيْتُهُمُ الْيَوْمَ بِمَا صَبَرُوا إِنَّهُمْ هُمُ الْفَائِزُونَ» (مؤمنون/ ۱۱۱) من امروز به پاس آنکه صبر کردند، بدانان پاداش دادم. آری، ایشانند که رستگارانند. در تحلیل ظرایف این کلام و حیانی، اگر عبارت «أَنَّهُمْ» با فتحه خوانده شود، به عنوان مفعول و نتیجه‌ی پاداش تلقی می‌گردد؛ یعنی خداوند آنان را با رستگاری پاداش داده است (سلطان علی‌شاه، ۱۳۴۴: ۳/ ۱۰۵). اما اگر با کسره خوانده شود، جمله‌ای از سر گرفته شده برای بیان علت است؛ به این معنا که من به آنان نیکوترین پاداش را دادم، چرا که آنان را به مقام والای نجات و رستگاری برگزیدم. این فوز و رستگاری می‌تواند به معنای دست یافتن به خواسته‌ها و مرادات، و یا رسیدن به کمالات انسانی و لذت‌های مطلق و بی‌کران باشد (ابوحیان، ۱۴۲۰: ۷/ ۵۸۷). بدین ترتیب، این گونه از شکیبایی، نردبانی برای عبور از تنگناهای مادی و رسیدن به شکوه وصال در سرای جاویدان است که رنج مسیر را در برابر عظمت مقصد، گوارا و ناچیز می‌گرداند و هدف از صبر در اینجا، تغییر وضعیت موجود به وضعیت مطلوب در حیات ابدی است.

نتیجه‌گیری

جمع‌بندی گونه‌شناسی‌های صبر نشان می‌دهد که این فضیلت در نظام و حیانی، نه یک انفعال ایستا، بلکه راهبردی جامع و پویا برای مدیریت مراحل مختلف وجودی است. تحلیل ساختارمند آیات قرآن کریم بیانگر آن است که صبر و پایداری با تنوع در «موقعیت عمل» و تمایز در «مراتب کیفی»، از یک واکنش رفتاری صرف به یک مکتب تربیتی متعالی ارتقا می‌یابد. این منظومه در لایه «ماهوی»، با صیانت از حریم عقل و مهار اضطراب‌های باطنی، طمانینه‌ای ژرف در روان انسان پدید می‌آورد تا عاملیت اخلاقی در تلاطم بحران‌ها محفوظ بماند. از منظر «غایت‌شناختی» نیز، این شکیبایی با پیوند زدن رنج‌های گذرا به پاداش‌های پایدار، نگاه فاعل را از تنگناهای مادی به افق‌های بلند رستگاری و «فوز عظیم» معطوف می‌سازد. بدین سان، انسجام میان این گونه‌ها، هویتی یکپارچه به صبر می‌بخشد که در آن، تحمل سختی‌ها نه یک بن‌بست، بلکه مسیری آگاهانه و هدفمند برای تبدیل وضعیت موجود به کمال مطلوب و نیل به شکوه وصال در سرای جاویدان است. این فرآیند تکاملی، صبر را به مثابه نردبانی برای استکمال نفس و پیوند ناگسستنی میان تاب‌آوری زمینی و رستگاری آسمانی تبیین می‌کند که غایت نهایی آن، عبور از خسران و دستیابی به مرتبه‌ی پاداش الهی است.

منابع

- ۱) قرآن کریم
- ۲) ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۳۷۴ق). لسان العرب. بیروت: دار صادر.
- ۳) ابن عاشور، محمد الطاهر (۱۹۸۴م). التحرير و التنوير. تونس: الدار التونسية للنشر.
- ۴) ابوحیان، محمد بن یوسف (۱۴۲۰ق). البحر المحيط فی التفسیر. بیروت: دار الفکر.
- ۵) پسندیده، عباس (۱۳۸۸). رضایتمندی از زندگی. قم: سازمان چاپ و نشر دارالحديث.
- ۶) علی، احمد بن محمد (۱۴۲۲ق). الكشف و البیان عن تفسیر القرآن. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ۷) جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۰۴ق). الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربیه. بیروت: دار العلم للملایین.
- ۸) حسینی شاه‌عبدالعظیمی، حسین بن احمد (۱۳۶۳). تفسیر اثنا عشری. تهران: انتشارات میقات.
- ۹) حقی، اسماعیل بن مصطفی (۱۴۰۵ق). تفسیر روح البیان. بیروت: دار الفکر.
- ۱۰) راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۹۹۲م). المفردات فی غریب القرآن. دمشق: دار القلم.
- ۱۱) رضایی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۸۷). تفسیر قرآن مهر. قم: پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن.
- ۱۲) زبیدی، محمد مرتضی (۱۹۹۴م). تاج العروس من جواهر القاموس. بیروت: دار الفکر.
- ۱۳) زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷ق). الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل. بیروت: دار الکتاب العربی.
- ۱۴) سلطان علی‌شاه، سلطان محمد (۱۳۴۴). تفسیر بیان السعاده فی مقامات العباد. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۵) طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۶۳). ترجمه تفسیر المیزان. تهران: بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی.
- ۱۶) طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تهران: انتشارات ناصر خسرو.
- ۱۷) طریحی، فخرالدین بن محمد (۱۳۷۵). مجمع البحرین. تهران: کتابفروشی مرتضوی.
- ۱۸) طوسی (خواجه نصیر)، نصیرالدین محمد (۱۴۱۳ق). اوصاف الاشراف. تهران: سازمان چاپ و نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۱۹) طوسی (شیخ)، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). التبیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ۲۰) طیب، سید عبدالحسین (۱۳۷۸). تفسیر اطبیب البیان فی تفسیر القرآن. تهران: انتشارات اسلام.
- ۲۱) فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ق). تفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ۲۲) فیض کاشانی، ملامحسن (۱۴۱۷ق). منهج الصادقین، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ۲۳) قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا (۱۴۰۷ق). تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۲۴) فیض کاشانی، ملافتح‌الله (۱۳۳۶). تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین. تهران: کتابفروشی اسلامی.
- ۲۵) مصطفوی، حسن (۱۳۸۵). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم. تهران: مرکز نشر آثار علامه مصطفوی.

- (۲۶) مغنیه، محمدجواد (۱۴۲۱ق). تفسیر الکاشف. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- (۲۷) مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- (۲۸) نراقی، محمد مهدی (۱۴۲۰ق). جامع السعادات. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.